



پیرامون نسخهٔ مجعول و مصوّر دیوان امیر معزی در دانشگاه هاروارد

مجتبی مجرد*

مقدمه

چندی پیش به مناسبتی در پی یافتن برخی نسخه‌های خطی فارسی بودم که پیش از قرن هفتم هجری کتابت شده‌اند. در این میان به نسخه‌ای از دیوان امیر معزی برخوردی که عبارت انجامهٔ آن چنین بود: «وقع الفراغ من کتبه [كذا] هذه النسخة الشریفة بتوفیق الله و حسن معونته و صلی الله علی نبیه محمد و آله علی ید العبد المذنب المحتاج الی رحمة الله تعالی محمد بن یحیی بن احمد الاربیلی بمدينة تبریز حماها الله... یوم الثلاثاء فی رجب سنة احدى و خمسين و خمس مائة... غفر الله له و لجمیع المسلمین و المسلمات»

(معزی، بی تا: ۶۰a).

این نسخه که ظاهراً بسیار نفیس به نظر می‌رسد در کتابخانهٔ دانشگاه هاروارد آمریکا به شمارهٔ MS Typ 1016 و با عنوان «کتاب اشعار ملک الشعرا امیر معزی» موجود است. نسخه دارای تذهیبات بسیار زیبا و شانزده نقاشی به‌ظاهر کهن است که موضوع عموم نقاشی‌ها شکوه تخت و دربار شاهی، و در مواردی نیز جنگاوری‌های سرداران و پادشاه است. نسخه در مجموع دارای شصت (۶۰) برگ است. اشعار به صورت دو ستونی و هر ستون ۱۶ تا ۱۸

سطر با مرکب سیاه نوشته شده است. کل صفحات نسخه مجعول است و در هر ستون یک جدول مجزا آمده است. خط نسخه نیز نسخ بسیار پخته است.

اولین قدم برای شناخت صحت و سقم نسخه رجوع به تصحیحات دیوان امیر معزی بود. شاید بتوان از این طریق فهمید که آیا مصححان دیوان امیر معزی از وجود این نسخه مطلع بوده‌اند و در باب آن اظهار نظر کرده‌اند یا خیر. به همین جهت به قدیمی‌ترین تصحیح دیوان امیر معزی، یعنی تصحیح مرحوم عباس اقبال رجوع کردم. دو نکتهٔ بسیار مهم از خلال رجوع به دیوان معزی مصحح مرحوم اقبال فهمیده شد؛ نخست این که نسخهٔ هاروارد تنها بخشی از دیوان امیر معزی را شامل می‌شود. به عبارت دقیق‌تر نسخهٔ هاروارد در حدود بیش از شصت شعر (قصیده، قطعه و رباعی) دارد در حالی که دیوان معزی به تصحیح عباس اقبال تقریباً ده برابر این مقدار شعر دارد. بنابراین مشخص می‌شود که نسخهٔ هاروارد شامل گزیده‌ای از اشعار معزی است.

دیگر آن که اقبال تصریح کرده است:

بدبختانه با کمال کوششی که شد از دیوان معزی هیچ نسخه‌ای که تاریخ کتابت آن نسبتاً قدیم باشد به دست

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد / Email: mojarad_mojtaba@yahoo.com
۱. عبارات و کلمات نقطه‌چین، از متن نسخه ساقط شده است.



نیامد. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که مورد استفاده قرار داده شده نسخه‌ای است متعلق به نگارنده که در عهد صفویه تحریر یافته. این نسخه هم ناقص است و هم خالی از غلط نیست.

(معزی، ۱۳۱۸: س)

بنابراین باید گفت اقبال از وجود این نسخه بی‌خبر بوده است، چه اگر چنین بود و وی از وجود این نسخه، هر چند آن را جعلی بداند، خبر داشت قطعاً توضیحی در این باب می‌آورد.

دیوان امیر معزی حدود چهل و پنج سال بعد به همت ناصر هیبری در سال ۱۳۶۲، از روی همان چاپ مرحوم اقبال، تجدید چاپ شده است و بنابراین نکته در خوری ندارد. آخرین چاپ دیوان امیر معزی به همت محمدرضا قنبری در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. این چاپ نیز، چنان که مصحح در مقدمه تصریح کرده است، مبتنی بر نسخه مرحوم عباس اقبال است زیرا به گفته مصحح، نسخه‌ای کهن‌تر از نسخه به کار رفته در تصحیح اقبال برای مقابله یافت نمی‌شده است (معزی، ۱۳۸۵: یکصد؛ برای نقد و بررسی این تصحیح و نسخه کهن‌تر دیوان معزی ر.ک: یلمه‌ها، ۱۳۸۶: ۵۶-۶۲).

البته آقای قنبری، آخرین مصحح دیوان معزی، در پایان مقدمه خود، با اشاره به نسخه دانشگاه هاروارد و پس از ذکر عبارتی از مرحوم دانش پژوه، که بعداً نقل خواهد شد، می‌نویسد:

این بنده با استمداد از استاد دانشور خودم حضرت آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی که هم‌اینک در دانشگاه هاروارد به افاضه مشغولند مستدعی فیلمی از نسخه توصیف‌شده در مقاله استاد دانش پژوه گردیدم که با همه مهربانی استاد عدیم‌النظیر و نامه‌نگاری معزی الیه به کتابخانه دانشگاه هاروارد دسترسی به نسخه موصوف مقدور نگردید.^۲ شاید وقتی دست‌یابی به این نسخه میسر گردد که گفته‌اند: الامور مرهونة باوقاتها. اگرچه از استاد شفيعی کدکنی شنیدم که نسخه مذکور را جاعلان برای حطام دنیوی ساخته و پرداخته‌اند و وجود چنین نسخه‌ای حقیقت ندارد. (معزی، ۱۳۸۵: یکصد)

وجود نسخه دیوان امیر معزی در دانشگاه هاروارد که سال‌ها ناشناخته باقی مانده است معمای بزرگی در ذهن پژوهشگران برمی‌انگیزاند و آن این است که چرا این دیوان ارزشمند پیش‌تر مورد توجه قرار نگرفته و آیا این دیوان جعلی است یا می‌توان بدان اعتماد کرد. در ادامه، دیدگاه‌های برخی از پژوهشگران را به صورت تاریخی در این باره بیان می‌کنیم تا برسیم به بررسی دیوان از منظر خود غربی‌ها.

به نظر می‌رسد نخستین کسی که به این نسخه اشاره کرده و آن را مجعول دانسته مرحوم مجتبی مینوی بوده است. وی در مقاله «کاپوسنامه فرای تمرینی در فن تزویرنویسی»، که نخستین بار در سال ۱۳۳۵ در مجله (مغان به چاپ رسید، از چند نسخه خطی مجعول نام برده است که در میان آن‌ها دیوان امیر معزی نیز قرار دارد. مینوی حتی درباره مکانی که این نسخه‌ها در آن جا جعل شده‌اند نیز توضیحاتی داده است که عین عبارات وی را در این جا نقل می‌کنیم:

در اصفهان یا در دهکده‌ای در جوار طهران یا شاید در هر دو جا و در جاهای دیگری نیز یک یا چند کارگاه از برای جعل و تزویر و ساخته‌کاری انواع اجناس عتیقه تقلبی برپا شده است و گروهی از پیشه‌وران ماهر و بی‌وجدان دائماً مشغول کارند و گاه‌به‌گاه از کار ایشان اثری به خارج ایران می‌رود یا در خود ایران جلوه‌گر می‌شود، از آن جمله است دیوان معزی که آقای فرای خرید و به آمریکا برد؛ و دیوان قطران خط انوری... (مینوی، ۱۳۳۵: ۴۵۴-۴۵۵)

چون مرحوم مینوی تنها به ذکر نام نسخه دیوان معزی بسنده کرده و توضیحی پیرامون آن نداده است پس از وی نیز شک و تردید در باب صحت و سقم این نسخه ادامه داشته است، به گونه‌ای که محمدتقی دانش‌پژوه در نامه‌ای که به تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۱ برای ایرج افشار نوشته است تردید در اصالت نسخه را مطرح کرده و نوشته است:

آقای اتینگهاوزن (Ettinghausen) را دیدم و با ایشان درباره نسخه دیوان امیر معزی هاروارد که مصور و مورخ پانصد و اندی است گفت‌وگو کردم. فرمودند در اصالت تصویر چینی آن شک است و می‌گفتند باید دوباره آن

۲. تصویر این نسخه اکنون به صورت کامل در کتابخانه دیجیتالی دانشگاه هاروارد قابل مشاهده و دریافت است. علاقه‌مندان می‌توانند با ورود به لینک زیر نسخه را از ابتدا تا انتها با کیفیت خوب ببینند و در صورت تمایل آن را دانلود کنند:

<http://pds.lib.harvard.edu/pds/view/11328619?n=5&printThumbnails=true>



را ببینم. به ایشان گفتم نوشته‌هایی به انگلیسی در لای نسخه دیدم که نام شما هم بود.

(مطلبی کاشانی و مرعشی، ۱۳۸۲: ۴۶۷)

منظور از نوشته‌های انگلیسی که مرحوم دانش‌پژوه به آن اشاره کرده، برگه‌ای است ماشین‌نویسی شده به زبان انگلیسی در حدود یک صفحه، که پشت جلد نسخه چسبانیده شده است و تا حدود زیادی از جعلی بودن نسخه پرده برمی‌دارد. در ادامه، ترجمه این صفحه برای نخستین بار عرضه می‌شود تا پژوهندگان، هم با روش‌های پژوهشی غربی‌ها در نسخه‌شناسی آشنا گردند و هم عدم صحت و اصالت نسخه بر آنان کاملاً روشن شود.

19 June 1957

کتابخانه دانشگاه هاروارد، کمبریج ماساچوست، کتابخانه هاوتون^۳

این دست‌نویس برای فیلیپ هافر^۴ به عنوان یک نسخه مذهب و مصور خریداری شد و سپس (برای فروش) به کتابخانه دانشگاه هاروارد ارائه شد و پس از تردیدهایی که در صحت و اصالت نسخه به وجود آمد، برای آزمایش به کارشناسان تحویل داده شد. دکتر ریچارد اتینگهاوزن^۵ گزارشی مفصل درباره تصویرگری‌های نسخه ارائه (۱۸ ژانویه ۱۹۵۴؛ پروفایل گروه هنرهای گرافیکی و چاپی) و اظهار کرد که این نسخه با هفده دسته از ویژگی‌های هنری که از خلال تصویرها و تذهیبات نسخه‌های فارسی قرن دوازده میلادی (= قرن ششم هجری) شناخته می‌شود مطابقت و تناسب ندارد. وی نهایتاً به این نتیجه رسید که:

دانش محدود فعلی ما از هنر مینیاتور در قرن دوازدهم میلادی، حاکی از آن است که تصاویر نسخه جعلی‌اند. بنابراین من تردید دارم که نقاشی‌های این نسخه را مجموعه‌ای از نقاشی‌های اصیل به‌شمار آورم.

در همین زمان دکتر رادفورد ج گننز^۶ کاغذ و رنگ‌دانه‌های این نسخه را بررسی کرد (بدون تاریخ، اما چنان که در پرونده

ذکر شده در سال ۱۹۵۴). ضمن مشورتی که با دارد هانتز^۷ صورت گرفت وی این احتمال را که نوع کاغذ این نسخه در قرن دوازدهم میلادی وجود داشته باشد تأیید کرد. با آن که این نوع کاغذ در دوره‌ای طولانی مدت ساخته و به کار گرفته می‌شده است، پاره‌ای بی‌نظمی‌های عجیب و غریب در رطوبت‌دیدگی آن وجود دارد، به گونه‌ای که لکه‌های ناشی از رطوبت‌دیدگی) در صفحات مجاور نسخه با یکدیگر مطابقت ندارد. وی همچنین اشاره کرده است که گردی و سایش گوشه‌ها و لبه‌های نسخه احتمالاً با قیچی زده شده و نسخه به صورت طبیعی دچار سایش نشده است.

این که رنگ‌دانه‌های یافته‌شده در نسخه مربوط به قرن دوازدهم میلادی (یا ششم هجری) باشد بعید نیست؛ اما در رنگ آبی تیره (به کار رفته در نسخه) جوهر آبی پروس به چشم می‌خورد و این جوهر پیش از سال ۱۷۰۴ میلادی شناخته شده نبوده است (بنابراین بخشی از جوهر به کار رفته در نسخه حداکثر سیصد سال سابقه پیدایش دارد). گستردگی تحقیقات فعلاً به ما امکان بررسی نسخه از طریق روتوش را نمی‌دهد. ترکیب رنگ‌دانه‌های جدید و پیکرنگاری مشکوک نسخه، به‌وضوح نشان می‌دهد که تذهیبات نسخه جعلی است و در دوران متأخر جعل شده است. متن و خط نسخه هنوز مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است.

چنان که ملاحظه می‌شود، در بررسی‌های آزمایشگاهی جعلی بودن تاریخ کتابت نسخه به‌روشنی مشخص شده است و نیازی به اقامه برهان ندارد. نگارنده در باب این نسخه از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمود امیدسالار نیز استفسار کرد و ایشان به نکات مهمی توجه دادند. بخشی از نامه ایشان چنین است:

جناب مجرد... نسخه دیوان معزی که ذکر کرده‌اید از نسخ جعلی معروف است و اگر درست یادم باشد در نامه بهارستان مقاله‌ای از مرحوم مینوی درباره نسخ جعلی نقل

3 . THE HOUGHTON LIBRARY

4 . Philip Hofer

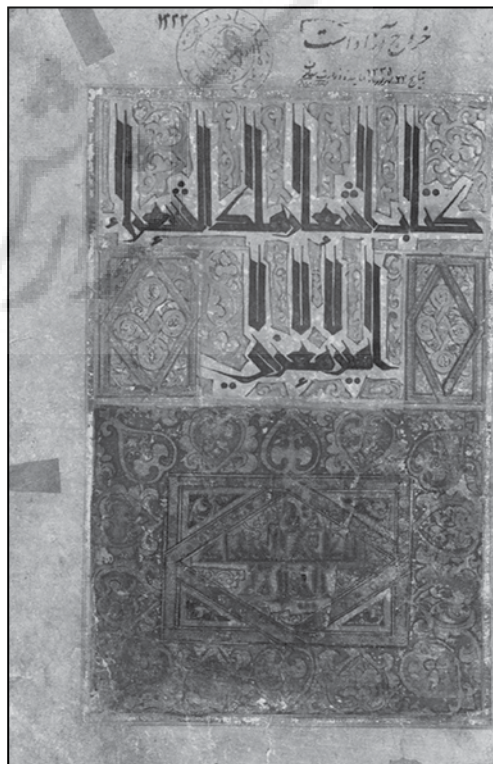
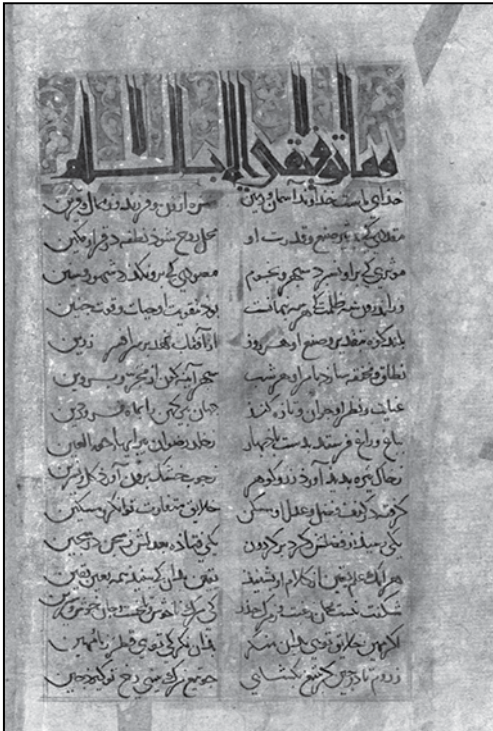
5 . Richard Ettinghausen

6 . Rutherford J. Gettens

7 . Dard Hunter



شده که به این نسخه هم اشارت دارد. در آخر کتاب هم گزارشی از سال ۱۹۵۷ هست که تجزیه شیمیایی نسخه نشان داده که رنگ آبی ای که در نسخه به کار رفته پیش از سال ۱۷۰۴ میلادی شناخته نبوده. اگر به مهرهای خروجی نسخه توجه کنید، می بینید که امضای مرحوم دکتر بیانی زیر آن هاست و خروج نسخه را بلامانع تشخیص داده اند.^۸ دکتر بیانی هرگز اجازه خروج نسخه مورخ ۵۵۱ را که اصلی باشد نمی داد. اگر به طرز قرار دادن نقاط کلمات هم توجه کرده آن ها را با نقطه گذاری دست نویس های اصیل قرن ششم مقایسه کنید، علائم جدید بودن از وجنات نسخه پدیدارست... این نسخه را در یک کارگاهی که این کارها در تخصصش بود (انگار نسخه کاپوسنامه فرای هم کار همین اشخاص بوده) درست کرده به یک فرنگی انداخته اند، که ناز شست شان... هاروارد هم این را روی سایت گذاشته اند، که باز هم ناز شست شان و مبارک است انشالله...

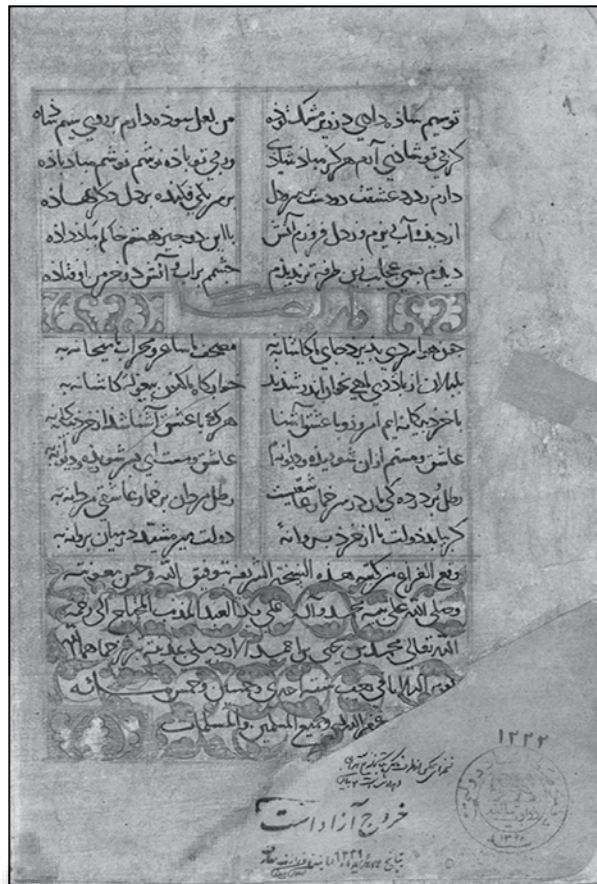


۸. در صفحه آغاز و پایان نسخه مهر «خروج آزاد است» خورده است که تاریخ شهریور ماه ۱۳۳۱ دارد و مشخص می شود که این نسخه را در آن زمان از ایران خارج کرده اند. در زیر مهر نیز مرحوم دکتر بیانی به خط خود نوشته: نسخه ای عکسی از طرف مالک به کتابخانه ملی تهران اهدا شده است/ بیانی. تصویر این صفحه از نسخه در پایان همین مقاله آمده است.

به‌دقت بررسی می‌کرده‌اند و نسخه‌ها سپس، در صورت حصول اطمینان از صحت و اصالت‌شان، مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. این می‌تواند تذکاری باشد برای کسانی که بی‌محابا و به محض یافتن یک نسخه به‌ظاهر کهن فریب می‌خورند و تمام تحقیقات و پژوهش‌های خود را بر آن استوار می‌دارند بی‌آن که بدانند این راه به ترکستان است. در پایان این نوشته تصویر چند صفحه از نسخه مورد بحث ضمیمه خواهد شد تا مخاطبان، هم به نبوغ پاره‌ای از ایرانیان در جعل و تزویر نسخه‌های خطی پی ببرند و هم به نبوغ پاره‌ای دیگر از دانشمندان ایرانی در کشف جعلیات این نوابغ.

کتابنامه:

- مطلبی کاشانی، نادر؛ مرعشی، سید محمد حسین، ۱۳۸۲، حدیث عشق ۲، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- معزی، محمد بن عبدالملک، ۱۳۱۸، دیوان، به تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیّه.
- _____، بی‌تا، دیوان، نسخه مجعول دیوان امیر معزی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه هاروارد، شماره ۱۰۱۶.
- _____، ۱۳۸۵، کلیات دیوان امیر معزی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا قنبری، تهران: زوآر.
- مینوی، مجتبی، ۱۳۳۵، «کاپوسنامه فرای تمرینی در فن تزویرنویسی»، مجله ارمنان، سال نهم.
- یلمه‌ها، احمدرضا، ۱۳۸۶، «تصحیح جدید از دیوان امیر معزی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳، پیاپی ۱۱۷. ■



بنابر همه قراین و دلایلی که ذکر شد گمان نمی‌کنم دیگر کسی بخواهد در باب این نسخه شک و تردیدی روا دارد یا آن را اصیل بشمارد؛ ضمن آن که نکته‌های آموزنده بسیاری نیز در این ماجرا برای نسخه‌شناسان و محققان وجود دارد. نسخه‌های خطی کهن را در روزگاران گذشته پژوهندگان

